

بسم الله الرحمن الرحيم

علوم اسلامی در مسیر شدن

طی سه چهار سده اخیر، علم و دانشگاه، فرایندی از دنیوی شدن را سپری و شاکله سفت و سختی را پیدا کرده است. این رویداد با التفات عامدانه از سوی اومانیست ها و اندیشه گران این جهانی اروپایی، اتفاق افتاده است. توسط اینان برای القاء ایده این جهانی بودن ذات معرفت و دانش بشری، پروژه های گسترده ای در حوزه علوم انسانی به راه افتاد. مهم ترین دستاورد این تلاش، نفی مرجعیت معرفتی و علمی ادیان و حیانی است. برداشت و گفتمان مسلط در جامعه و سیاست به طور عام و در مجامع و محافل علمی به طور خاص، امتناع واقعیت علوم و حیانی است. در چنین شرایط تثبیت شده ای بود که واقعه عظیم انقلاب اسلامی در ربع آخر قرن بیستم (بهمن ۵۷) اتفاق افتاد. خاستگاه اصلی این انقلاب، آموزه های و حیانی و اسلام ناب محمدی ص است و اکنون انقلاب در آستانه دهه پنجم عمر خود توانسته در مقیاسی جهانی تجربه ای از زیست معنوی را عرضه بدارد. یکی از داعیه های اصلی انقلاب اسلامی، احیای مرجعیت معرفتی و دانشی ادیان و حیانی است. از این رو، طبیعی به نظر می آید که تجربه انقلاب اسلامی از ناحیه روشنفکران و پیروان اندیشه سکولار مورد بی مهری و بعضاً رفتارهای خصمانه قرار گیرد. به طوری که بخشی از ریشه های مواضع خصمانه نظام سلطه استکبار با نظام اسلامی به همین مبانی نظری تفکر این جهانی باز می گردد. لکن تفاوت اساسی مواجهه فکر این جهانی با گذشته علمی خود، در موضع انفعال و تدافعی بودن آن است. امروزه، بحث از امتناع علم دینی و نفی بهره معرفتی و دانشی دین، عمدتاً از موضع انفعال برابر اراده معطوف به تکوین علم اسلامی است؛ اراده ای که منبعث از تجربه انقلاب اسلامی است. البته در همین موضع گیری انفعالی، شاهد نوعی دوگانگی در تحلیل سطوح معرفت و دانش هستیم. اندیشه گران سکولار در تحلیل علوم انسانی مدرن، رویکردی دینامیکی و پویایی را در نظر دارند و علم مدرن را «صیوروت» می بینند. و لذا است که همچنان مدرنیته را «پروژه نا تمام» می دانند. آنان هنوز از فقدان زمینه ها و شرایط امکان تکوین علم مدرن سخن می گویند. لکن همین افراد در تحلیل علم دینی، رویکرد استاتیکی و ایستایی را حاکم کرده از دینداران مصادیق عینی علم دینی را سراغ می گیرند. متأسفانه این نوع نگاه استاتیکی و غیر پویا به علم دینی در میان اندیشه گران دیندار تاثیر گذار بوده است و در همین چارچوب سعی کردند پاسخ هایی را ارائه کنند. و لذا سالیان درازی است که در همان بحث امتناع یا امکان علم دینی مانده اند. و حال آن که اگر با رویکرد صیوروتی به موضوع علم دینی نظر کنیم؛ متوجه این حقیقت انکار ناپذیر خواهیم شد که نه فقط علم اسلامی امکان دارد بلکه علم اسلامی در مسیر

شدن است . هر بخش از تکاپوی علمی در ایران اسلامی را که نشان کنیم جلوه ای از بود و نبود علم اسلامی است . چرا که واقعیت هستی و نیستی ، بودن و نبودن در نگاه صیوررتی است که آشکار می گردد . گرچه اراده معطوف به علم اسلامی در یک صد سال اخیر پدید آمده است لکن ما بر این باور هستیم که این اراده با وقوع و عینیت تجربه انقلاب اسلامی با شدت و جدیت وصف ناپذیری در مسیر شدن قرار گرفته است . و به درستی می توان چنین گفت :

دانش و دانشگاه با تجربه انقلاب اسلامی در مسیر اسلامی شدن قرار گرفته است .

نگاه صیوررتی را کاملاً می توان در رهنمود های مقام معظم رهبری مشاهده کرد . معظم له در دیدار اخیر شان با اساتید دانشگاه ها (۲۰ / ۳ / ۹۷) ، یکی از الزامات نقش اساتید در ایجاد و پرورش قوه عاقله کشور را در صیوررت محیط دانشگاه دانستند :

یک صیوررت دائمی در محیط دانشگاه، یک تحوّل مستمر و دائمی در محیط دانشگاه؛ علت هم این است که اولاً همه ی نهادهای عالم احتیاج به تحوّل دارند، چون بشر در حال تحوّل و در حال پیشرفت و در حال حرکت است، بنابراین نهادهای بشری همه بایستی در خودشان قدرت تحوّل دائمی را ایجاد کنند و این یک دغدغه ای باشد برای آنها؛ ثانیاً دانشگاه ما بی رودربایستی غلط بنیان گذاری شده، از اوّل غلط بنیان گذاری شده؛ این معنایش این نیست که محیط دانشگاه محیط غلطی است یا محیط بدی است؛ نخیر، خوشبختانه دانشگاه ما فرآورده های بسیار خوب داشته لکن بنای دانشگاه به وسیله ی آدمهای نامطمئن و با سیاستهای نامطمئن در زمان حکومت طاغوت گذاشته شده و این بنا همچنان وجود دارد :دانشگاه را مبنی بر دین زدایی بنیان گذاری کردند؛ دانشگاه را مبنی بر تقلید علمی و نه ابتکار علمی و تولید علم، بنیان گذاری کردند؛ دانشگاه این جوری بنیان گذاری شده و خب بعضی از آثارش هم تا امروز هنوز امتداد دارد. بنابراین یک اصلاح و یک تحوّل و یک صیوررت درونی برای دانشگاه به طور مستمر لازم است که نمونه هایی از آن را هم من اینجا یادداشت کرده ام که عرض خواهم کرد. این سه مورد از الزامات است؛ و البته الزامات دیگری هم هست.

راهکارها علمی و عملی

در خاتمه لازم دانسته برای روان سازی این صیورورت ، به چند راهکار علمی و عملیاتی عاجل اشاره کنم :

۱ . التفات و درک عمیق اندیشمندان و برنامه ریزان و مسئولان اجرایی عرصه معرفت و دانش به رویکرد صیورورتی و پویایی علم دینی .

۲ . باور به مرجعیت علمی و تاکید برکاربست آموزه ها و معلومات وحیانی در علوم ، به ویژه علوم انسانی

۳ . به راه اندازی سلسله مباحثی در چیستی و فلسفه علم دینی در مسیر شدن .

۴ . کوشش فراگیر در تدوین تاریخ علم دینی از روزگاران کهن تا به امروز با تاکید بر سرچشمه های وحیانی آن .

۵ . محاسبه کمی و کیفی به همراه تاکید برتولید انبوه ادبیات علم دینی .

۶ . رصد اراده اسلامی شدن علوم انسانی در جامعه انقلابی و مراکز علمی .

۷ . حمایت های معنوی و مادی نهادهای برنامه ریزی و دستگاه های اجرایی از اراده معطوف به علم دینی .

۸ . همکاری گسترده حوزه و دانشگاه بر مبنای رویکرد علم اسلامی در مسیر شدن .

۹ . تلاش بی وقفه در راستای معاضدت های علم دینی در رشد و شکوفایی علوم تجربی.

۱۰ . اصلاح فرهنگ سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه در نسبت با علم دینی .

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته

داود مهدوی زادگان

۲۹ خرداد ۹۷